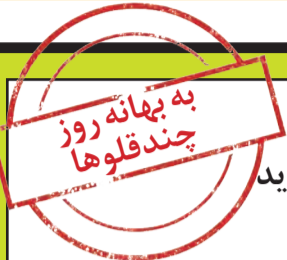


اشیای بزرگ یا سنگین و همچنین ظروف شیشه‌ای، چینی و سایر اشیای شکستنی و ظروف حاوی مواد خوراکی و شیمیایی را در قفسه‌های پایین کابینت و کمد قرار دهید.

افرادی که بیشترین تعداد فرزندان داشتند

آقا و خانم واسیلیف: این زوج رکورددار بیشترین تعداد فرزند هستند. بین سال‌های ۱۷۲۵ و ۱۷۶۵، خانم واسیلیف طی ۲۷ زایمان، ۶۹ فرزند شامل ۱۶ دوقلو، ۷ سه‌قلو و ۴ چهارقلو به دنیا آورد که ۶۷ تا آنها از دوره نوزادی زنده ماندند. چنگیز خان: گفته می‌شود که وی حداقل ۱۰۰۰ فرزند و احتمالاً تا ۲۰۰۰ فرزند داشته‌است. آنالیز ژنتیک نشان داده که چنگیز خان جدنیم در صد کل جمعیت دنیاست. فتحعلی شاه قاجار: ۱۰۸ فرزند داشت که نتیجه‌بیش از ۱۶۰ همسر او بودند.



فاطمه باقریان مادر پنج‌قلوهای قمی از تجربیات مادرانه می‌گوید

شیرینی به توان پنج



به‌ناز مقدسی | پدر و مادری که بچه‌های چندقلو دارند، معتقدند بچه‌های چندقلو هم سختی‌هایشان چندبرابر است و هم عشق و حالش. با همه اینها در شرایط اقتصادی امروز به نظر می‌رسد بزرگ کردن همزمان بچه‌هایی که بیشتر از دو یا سه تا باشند، کار آسانی نباشد. فاطمه باقریان و مجتبی اصغری زوج ساکن قم چهار سال پیش صاحب دو دختر و سه پسر شدند. امروز روز چندقلوهاست و به همین بهانه پای حرف‌های مادر خانواده نشستیم. آنها که بعد از گذشت چندسال حال دیگر هزینه‌های گزاف خرید پوشاک و شیر خشک را فراموش کرده‌اند، اما مشکلات تازه‌تری دارند، چرا که یک‌سال است بهزیستی کمکی به آنها نکرده و باید مخارج مهدکودک و هزینه‌های لازم بچه‌ها را خودشان تامین کنند. هر چند برای آشنایی با جزئیات زندگی این خانواده باید از نزدیک آن را لمس کرد، اما این گفت‌وگو تا حدود زیادی مصایب، مشکلات و شادی‌های خانواده‌ای که یک‌شنبه هفت نفر همدرد را روشن می‌کند.

نمی‌توانیم بچه‌ها را شهر بازی ببریم

گفتید یک سال نخست بهزیستی پوشک بچه‌ها را تامین می‌کرد، اما خب بچه‌ها الان تا دو سه سالگی هم پوشک استفاده می‌کنند. وقتی خودتان پوشک می‌خریدید، یادتان می‌آید ماهیانه چقدر هزینه پوشک می‌دادید؟ راستش این قدر گزاف بود که اصلاً یادم نمی‌آید چقدر هزینه کردیم. در حال حاضر که بچه‌ها چهار ساله شدند، ماهیانه چقدر هزینه دارند؟ الان ماهی ۷۵۰ هزار تومان شهریه مهدکودک بچه‌هاست، یعنی نفری ۱۵۰ هزار تومان برای یک ماه فقط هزینه مهدشان می‌شود. به غیر از خورد و خوراک هزینه لباس هم دارند، به‌هرحال بچه ماهی یک دست لباس را لازم دارد و الان ارزان‌ترین لباس کمتر از ۵۰ هزار تومان نیست. ما تا الان فقط یک بار بچه‌ها را شهر بازی بردیم، چون به‌هرحال هزینه شهر بازی برای پنج بچه خیلی زیاد می‌شود. همان یک بار چیزی حدود ۳۰۰،۴۰۰ هزار تومان هزینه بازی بچه‌ها شد، برای همین مجبور هستیم این تفریحات را هم از بچه‌هایمان دریغ کنیم، چون هزینه‌اش زیاد می‌شود. داشتن پنج قلو هم شیرینی‌اش پنج برابر است و هم سختی‌اش، ولی یک موضوع جالب درباره شما و همسران این است که در پیچ اینستاگرامی‌تان که فالوورهای زیادی هم دارد، هیچ‌وقت مشکلات‌تان را به مخاطبان‌تان نشان نمی‌دهید. دلیلش چیست؟ چون از دست کسی کاری بر نمی‌آید و نمی‌خواهیم به مخاطبان‌مان حس بد بدهیم.



کردند و ما کد سرپرست خانوار را زدیم، پیام آمده که به شما تعلق نمی‌گیرد، حتی بسته حمایتی ماه رمضان هم به ما تعلق نگرفت. یعنی در کل این چهار سال که پنج‌قلو دارید، هیچ بسته حمایتی نگرفتید؟ نه، حتی یک بار، حتی یک بسته! هیچی دریافت نکردیم.

مردم وقتی شمارا با پنج‌قلوها می‌بینند، واکنش‌شان چیست؟
 خیلی ذوق می‌کنند و معمولاً دورشان جمع می‌شوند و با بچه‌ها عکس می‌گیرند، ولی گاهی اوقات سوالاتی می‌پرسند که خیلی مارا ناراحت می‌کند. نمی‌دانم باید بگویم یا نه.

حتماً بگویید: مردم چه سوالی می‌پرسند که شمارا ناراحت می‌کند؟
 یک سوال این است که می‌پرسند دو و درمان می‌کردی که پنج‌قلو باردار شدی؟ و یک سوال هم این که به شما خانه دادند؟

خانم باقریان خودتان خانه دارید یا جاره‌نشین هستید؟
 خدا را شکر اسمال با کمک برادر شوهرم توانستیم خانه بخریم، البته وقتی بچه‌ها به دنیا آمدند، کمیته‌امداد از علوم پزشکی ۱۰ میلیون و از بهزیستی ۲۰ میلیون تومان گرفت و یک واحد آپارتمان خارج شهر به ما دادند که یک واحد بدون هیچ وسیله‌ای بود، منظوری این است که فقط اسکلت ساختمان بود و مثلاً کولر یا هیچ چیزی نداشت.

شما نرفتید آن‌جا زندگی کنید؟
 چون صاحبخانه جواب‌مان کرد، پنج‌شش ماهی رفتیم آن‌جا زندگی کردیم تا این که خانه خریدیم.

اجاره‌نشینی با پنج‌قلوها تجربه سختی بوده، درست‌است؟
 خیلی شرایط سختی بود، بالاخره پنج تا بچه گریه داشتند، سروصدا می‌کردند و این موضوع باعث می‌شد صاحبخانه و همسایه‌ها اعتراض کنند. الان با این که خانه‌مان خیلی کوچک است، اما خدا را شکر می‌کنم که خانه خودمان است و بچه‌ها راحت‌تر می‌توانند بازی کنند.

الان خانه‌تان چندمتری است؟
 یک سالن ۱۲ متری با یک اتاق خواب.

قبل از این که پنج‌قلو به دنیا بیایید، تصمیم داشتید چند تا بچه داشته باشید؟
 من همیشه به همسر می‌گفتم ۶ تا بچه دوست دارم، سه تا دختر، سه تا پسر. دوران بارداری هم که فهمیده بودیم چهار قلو داریم، همسر می‌گفت ببین ۶ تا بچه دوست داشتی خدا بهت چهار تا بچه همزمان داد. موقع زایمان که فهمیدم پنج تا هستند به دکترم می‌گفتم خانم دکتر بگردیدین ششمی نیست (می‌خندد)

باز هم به بارداری فکر می‌کنی؟
 آره چرا که نه (می‌خندد) پنج‌قلوهایم بزرگ‌تر شوند، یک بچه دیگر می‌آوریم، آن موقع اینها هم بزرگ‌تر شده‌اند و خودشان به من کمک می‌کنند.

پرسیده بود که چرا کمک‌هزینه بچه‌ها قطع شده است. این قولی است که خودشان داده بودند، وقتی خبر به دنیا آمدن پنج‌قلوها می‌رسانه‌ای شد، خود بهزیستی قول داده بود که بچه‌ها را تحت پوشش قرار دهد، اما در جواب همسرم گفته بودند بودجه نداریم.

یک‌سال می‌شود که پول بچه‌ها را قطع کردند.

چند سال پیش یک زوج دمووندی هم پنج‌قلو به دنیا آوردند و چون مرد خانواده رفتگر بود، شهردار منطقه به آنها یک پرستار داد، تا بتواند در نگهداری بچه‌ها کمک کند.

چطور ارگان یا سازمانی برای نگهداری بچه‌ها به شما پرستار ندادند؟

اوایل خیلی برای گرفتن پرستار تلاش کردیم، حتی یک وقت هم از رئیس بهداشت سابق آقای قاضی زاده‌اشمی گرفتیم، اما جواب‌شان این بود که جز قوانین ما نیست.

می‌گویند به خانواده‌هایی که چندقلو دارند، بسته‌های حمایتی تعلق می‌گیرد؟ از این بسته‌ها دریافت می‌کنید؟
 اصلاً هر زمانی که بسته‌های حمایتی را اعلام

می‌کردند، گرسنه می‌شدند یا خوابشان می‌آمد. باید همزمان پنج تا شیشه شیر آماده می‌کردم و پنج نفر هم به پنج تا بچه شیر می‌دادند. پزشکم هم گفته بود شیر مادر را از نوزادها دریغ نکن و برای همین یادم است دو تا بچه را بغل می‌کردم و همزمان به جفتشان شیر می‌دادم.

چقدر طول کشید تا دقیقاً بدانید چطور باید پنج‌قلوها را مدیریت کنی؟

تا ۴ روزگی بچه‌ها که خانه پدر و مادرم بودیم و در این مدت، پوشاک عوض کردن و باد گلو گرفتن‌شان را یاد گرفتم. بعدش هم که خانه خودمان رفتیم و به بچه‌ها تنها شدم، کم‌کم یاد گرفتم باید چه کار کنم. یادم است که شب‌ها من و همسرم شیفتی می‌خوابیدیم. چهار ساعت من می‌خوابیدم و همسرم مراقب بچه‌ها بود و چهار ساعت او می‌خوابید و من مراقبت می‌کردم.

بهزیستی از شما حمایت می‌کند؟

یک سال نخست تا حدودی کمک کردند، یعنی پوشاک و شیر خشک بچه‌ها را می‌دادند، البته شیر خشک یارانه‌ای بود و چون بچه‌های من هفت ماهه به دنیا آمدند، نمی‌توانستند این نوع شیر خشک را بخورند، چون به بچه‌های نارس نمی‌سازد، برای همین ما مجبور بودیم شیر خشک‌هایی که بهزیستی به ما می‌دهد را ۴ هزار تومان بفروشیم و برویم قوطی‌های ۲۱ هزار تومانی بخریم. البته ماهی ۷۰ هزار تومان برای هر بچه واریز می‌کردند، اما یک‌سال است که این پول قطع شده و حتی عیدی هم به بچه‌ها ندادند.

علتش را نپرسیدید؟
 چرا همسرم چند هفته پیش به بهزیستی رفته و

خانم باقریان! شاغل هستی؟
 من لیسانس اقتصاد دارم اما خانه‌دارم.
شغل همسران چیست؟
 همسرم راننده اسنپ است.
فکر کنم در همین تعریف کوتاه مشخص است وضع درآمد با داشتن بچه‌های پنج‌قلو باید خیلی سخت باشد. درست است؟
 بله، به هر حال تامین مخارج پنج بچه در شرایط اقتصادی الان خیلی سخت است.
وقتی بچه‌ها به دنیا آمدند، شغل همسران چه بود؟
 آن موقع هم راننده آژانس بود.
که احتمالاً بعد از رشد تاکسی‌های اینترنتی و کساد شدن بازار آژانس‌ها، همسران هم کارشان را عوض کردند.
 بله و چون ممکن است من به خاطر بچه‌ها هر لحظه با او کار داشته باشم، می‌تواند سریع خودش را به خانه برساند. در صورتی که قبلاً که در آژانس کار می‌کرد، یک ساعت کاری مشخص داشت و نمی‌توانست بیاید.

چندسال است که ازدواج کرده‌اید؟
 یازده سال است که ازدواج کرده‌ایم، ولی دوران عقدمان طولانی بود و اوایل دهه ۹۰ به خانه خودمان رفتیم و بچه‌ها یک‌سال و نیم، دوسال بعد به دنیا آمدند.
پنج‌قلوهای‌تان الان چندساله‌اند؟
 چهار سال دارند.
به عقب‌تر برگردیم، به روزی که فهمیدید پنج‌قلو باردار هستید.
 البته سونوگرافی‌ها به ما می‌گفت چهارقلو، اما در اتاق عمل پنجمین بچه‌ام را هم دیدم.

اگر همان چهارقلو بودند بهتر بود؟
 راستش نه، اتفاقاً خیلی خوشحال شدم چون در سونوگرافی مشخص شده بود سه تا از بچه‌ها پسر هستند و یکی دختر، اما وقتی قل پنجم، دختر به دنیا آمد، خوشحال شدم از این که جفت‌شان جور است و دختر اولم خواهر دارد.

بارداری برای مادری که پنج بچه را وضع حمل می‌کند چقدر سخت است؟ چه تجربه‌ای بود؟

شرایط سختی داشتم؛ استراحت مطلق بودم و همه مدت بارداری فقط ماهی یک‌بار آن هم برای چکاپ پزشکی از خانه بیرون می‌رفتم.
هزینه بارداری پنج‌قلو پنج برابر بود. درست است؟

بله، ما هر بار که سونوگرافی یا آزمایش‌های غربالگری انجام می‌دادیم باید برای چهار بچه هزینه پرداخت می‌کردیم. (آن موقع هنوز قل پنجم در سونوگرافی مشخص نشده بود)
نخستین لحظه‌ای که فهمیدید چندقلو باردار هستید، چه حسی داشتی؟

نخستین بار که رفتم سونوگرافی و پزشک گفت بارداری، آن هم چهارقلو شو که شدید، چون اصلاً منظر بچه نبودیم آن هم به این تعداد (می‌خندد)، ولی وقتی صدای چهار ضریب قلب را شنیدیم، حس خوشحالی داشتیم. فقط بیشتر نگران سلامت‌شان بودیم. به‌هر حال وقتی بدانی تعداد بچه‌ها بیشتر است، نگرانی‌اش هم چندبرابر می‌شود.
سابقه چندقلو زایی در خانواده‌تان داشتید؟

بله، بچه‌های برادر شوهرم هم دوقلو هستند. برای همین همسرم خیلی خوشحال شد، چون چندقلو خیلی دوست داشت و همیشه می‌گفت دوست دارم بچه‌هایم چندقلو باشند.
داشتن پنج بچه در یک لحظه چه حسی دارد؟ واقعاً خبرش خوشحالتان کرد یا ناراحت؟

ببینید! قطعاً به دنیا آوردن بچه‌هایی سالم نمی‌تواند خبر ناراحت‌کننده‌ای باشد، ولی خب ما آن موقع اصلاً شرایط رفاهی خوبی نداشتیم. یک مقدار نگران بودیم و فقط این حس نگرانی بود که یک مقدار سخت بود.
نخستین روزی که از بیمارستان مرخص شدی و با پنج نوزاد به خانه رفتی، یادت می‌آید؟ چه کار کردی؟ چه اتفاقی افتاد؟ باید کار سختی باشد، مخصوصاً که نخستین بار بود مادری را تجربه می‌کردی، آن هم برای پنج نوزاد.

روزهای اول که تنها نبودم؛ بالاخره مادر و خواهر و خواهر شوهرهایم هم کنارم بودند و روزهای اول کمک می‌کردند. ولی خب، پنج‌قلوها همه چیزشان با هم بود؛ یک دفعه همه‌شان گریه